

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال نهم، شماره بیست و چهارم، پاییز ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۶/۲

صفحات: ۸۵-۶۵

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر

توسعه سیاسی در این منطقه

دکتر جهانبخش مرادی*

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، گروه علوم سیاسی، ایران، ایلام.

دکتر قدرت احمدیان

استادیار روابط بین الملل و عضو هیات علمی دانشگاه رازی کرمانشاه.

چکیده

تحولاتی که از اواخر سال ۲۰۱۰ در منطقه خاورمیانه عربی روی داده است، مبین آن می‌باشد که منطقه خاورمیانه در حال ورود به عصر جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی خود است. این تحولات متصف به دو صفت اصلی بوده‌اند: بیداری اسلامی و بهار عربی. وصف بیداری اسلامی از جانب ایران به کار رفته است؛ اما وجود خصایصی همچون وجود شعارهای و آرمان‌های دموکراتیک در میان انقلابیون، باعث شده که اکثر تحلیل‌گران وصف بهار عربی را به کار برده و تحولات مذکور را در راستای توسعه سیاسی بدانند. در صورتی که این تحولات دموکراتیک به شمار آید، عطف به نظریه صلح دموکراتیک، این وضعیت باید منجر ایجاد صلح و ثبات در منطقه گردد؛ با این حال وجود چالش‌های امنیتی و سیاسی در خاورمیانه، صلح دموکراتیک و دستیابی به توسعه سیاسی در منطقه را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌سازد. به این جهت هدف این مقاله، فهم امکان تحقق صلح و امنیت و دستیابی به توسعه سیاسی از طریق تحکیم و تثبیت سازوکارهای دموکراتیک در خاورمیانه است.

کلید واژگان

خاورمیانه، صلح دموکراتیک، بیداری اسلامی، بهار عربی، چالش فلسطین، مساله هسته‌ای، منازعات قومی و مذهبی در خاورمیانه.

* نویسنده مسئول: Jmoradi7877@yahoo.com

مقدمه

تحولاتی که از اواخر سال ۲۰۱۰ در منطقه خاورمیانه عربی شده است، مبین آن هستند که منطقه خاورمیانه ۱ در حال ورود به عرصه‌ی جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی خود است. این تحولات متصف به دو صفت اصلی بوده‌اند، بیداری اسلامی و بهار عربی. صفت بیداری اسلامی بیشتر از جانب جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) برای این تحولات برگزیده شده است؛ اما وجود خصایصی همچون وجود شعارهای و آرمان‌های دموکراتیک در میان انقلابیون، تهیه و تدوین قانون اساسی و اصلاحات نهادی و ساختاری و برگزاری انتخابات آزاد در این کشورها باعث شده است که اکثر تحلیل‌گران آن‌ها را بهار عربی و نوعی دموکراسی خواهی بدانند. در صورتی که این تحولات را دموکراتیک بدانیم و عطف به اینکه براساس نظریه صلح دموکراتیک، دولت‌های دموکراتیک با یکدیگر وارد جنگ نمی‌شوند؛ بنابراین این تحولات باید منجر به دموکراتیک شدن فضای منطقه و ایجاد صلح و ثبات گردند؛ اما وجود چالش‌های امنیتی-سیاسی در خاورمیانه مثل چالش‌های فلسطین، منازعات قومی و مذهبی در خاورمیانه و مسأله هسته‌ای ایران، صلح دموکراتیک در منطقه را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌سازد.

بر این اساس، این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که آیا با توجه به چالش‌های امنیتی-سیاسی در خاورمیانه، امکان تحقق صلح و امنیت از طریق تحکیم و تثبیت سازکارهای دموکراتیک وجود دارد. پاسخ موقت به این سؤال به عنوان فرضیه پژوهش آن است که چالش‌های امنیتی-سیاسی در خاورمیانه، ایده‌ای صلح از طریق دموکراسی را با چالش مواجه می‌سازد. روش تحقیق کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از نظریه و ایده صلح دموکراتیک درصدد توضیح و بررسی این مسأله است. برای آزمون فرضیه، مطالب این مقاله در سه بخش تدوین شده‌اند. در بخش اول ایده صلح دموکراتیک به عنوان چارچوب نظری تحقیق بررسی شده است. در بخش دوم نیز به فرایند گذار به دموکراسی در خاورمیانه عربی و تلقی‌ها و برداشت‌ها مختلف از این تحولات مورد امعان نظر قرار گرفته و بالأخره در بخش سوم به چالش‌های سیاسی-امنیتی در خاورمیانه که صلح دموکراتیک در منطقه را با چالش مواجه می‌سازند، توجه شده است.

¹ - Middle-East Region

۱. مبانی نظری: ایده صلح دموکراتیک

الف. زمینه‌های تاریخی ایده صلح دموکراتیک

نظریه «صلح دموکراتیک»^۱ یکی از نظریات جدید در حوزه ی علوم سیاسی و روابط بین الملل است. علت آن بوده که تا همین سده های اخیر، دموکراسی واجد بار ارزشی منفی بوده است و به همین سبب اندیشمندان تمایلی در مورد تأیید آن نداشته اند. این مسأله ریشه در تفکر فلاسفه یونان باستان داشته است. در دوره ی سقراط، هیچ چیز مسخره تر از دموکراسی که عوام بر آن مسلط باشند و تابع هوی و هوس اشخاص باشد، نبود.

افلاطون و ارسطو نیز دید منفی نسبت به این نوع حکومت داشتند. افلاطون آن را حکومت جهال و نادان ها می دانست و ارسطو آن را شکل منحرف حکومت جمهوری دانسته و به مثابه حکومت فقر و تهیدستان به آن نگاه می کرد (طاهری، ۱۳۸۰: ۸۴-۱۶). با این حال، با شکل گیری نظام های دموکراتیک و عدم شکل گیری جنگ بین آن ها، ایده صلح دموکراتیک تقویت شد. براساس این ایده، نظام های دموکراتیک هیچ گاه علیه یکدیگر وارد جنگ نمی شوند و نوعی صلح جداگانه بین خود به وجود می آورند که آن ها را از سایرین متمایز می سازد. البته هم نظام های دموکراتیک و هم نظام های غیر دموکراتیک مستعد جنگ و منازعه هستند، اما تجربه نشان داده است که کشورهای دموکراتیک در ۲۰۰ سال گذشته علیه یکدیگر وارد جنگ نشده اند (Mauz & Russett, 1993: 624). از ۳۵۳ درگیری متقابل بین کشورها در فاصله سال های ۱۸۱۶ تا ۱۹۹۱، هیچ کدام بین دو حکومت دموکراتیک نبوده است. ۱۵۵ مورد از این درگیری ها بین یک حکومت دموکراتیک و یک حکومت غیر دموکراتیک بوده است و ۱۹۸ مورد از این درگیری ها نیز بین دو حکومت غیر دموکراتیک بوده است (امجد، ۱۳۸۷). این ایده از جانب انترناسیونالیست های لیبرال و نئولیبرال حمایت شده است و قدمت آن به اواخر قرن ۱۸ می رسد.

واضع اصلی این نظریه، امانوئل کانت است که برای نخستین بار در اثر خود «به سوی صلح ابدی» فرضیه «صلح دموکراتیک» را تأیید نمود. هرچند او نیز به دلیل بار ارزشی منفی دموکراسی در زمانش آن را تحت عنوان صلح بین دولت های جمهوری عرضه کرد. در این اثر، وی یکی اتحادیه صلح طلب را

^۱ - Democratic Peace

توصیف می کند که به وسیله جمهوری های لیبرال تشکیل می گردد. در این راستا، وی معتقد بود که اولاً قانون اساسی هر دولت باید جمهوری باشد، ثانیاً حقوق ملت ها بایستی براساس فدراسیونی از دولت ای آزاد، تنظیم گردد و ثالثاً اینکه؛ حقوق شهروندی بایستی براساس حق جهانی بشریت تنظیم گردد و اصالت با جامعه جهانی است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۱۵؛ عالم، ۱۳۸۱: ۴۶۸-۴۶۷).

جر می بنتام از دیگر متفکران انتر ناسیونالیست لیبرال نیز معتقد بود که طرح صلح دائمی مستلزم گسترش قرارداد اجتماعی از سطح افراد به سطح دولت ها و بین دولت ها است (همان). آن چه که این اندیشمندان را به سمت تدوین طرح هایی برای ایجاد صلح ابدی سوق داد، بیزاری از توحش بی قانون بود (دان، ۱۳۸۳: ۳۷۴).

به نظر کانت، در چنین شرایطی نظر به کنترل شهروندان بر حکومت و این مسأله که رضایت شهروندان برای دست زدن به جنگ لازم است و آن ها با احتساب مسأله ی هزینه - سود و اینکه در صورت مبادرت به جنگ هزینه های جنگ بیشتر از سود آن خواهد بود، از مبادرت به جنگ امتناع خواهند کرد. از سوی دیگر، اتحادیه ای صلح طلب یعنی یک فدراسیون جهت ایجاد یک نظام امنیت دسته جمعی ایجاد شود و در آخر نیز، قوانین جهان وطن گرایانه لازم است تا حق بیگانگان برای مصونیت از رفتار خصمانه به رسمیت شناخته شود. نتیجه عبارت خواهد بود از «صلح ابدی»^۱ بین ملت ها (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۰).

ب. رویکردهای تبیین صلح دموکراتیک

همان طور که گفته شد، براساس ایده ی صلح دموکراتیک نظام های دموکراتیک با یکدیگر نمی جنگند و تجربیات تاریخی و آمارها نیز این مسأله را تأیید می کند. در این مورد دو تبیین ارائه می شود که عبارتند از:

(۱) تبیین هنجاری یا فرهنگی:^۲ بر این اساس، هنجارهای مبتنی بر مصالحه و همکاری در نظام های دموکراتیک از ایجاد تضاد منافع و تشدید برخوردهای خشونت آمیز بین آن ها جلوگیری می کند. این

^۱ - Perpetuate Peace

^۲ - Normative or Cultural Explanation

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

مدل بر تأثیرات هنجارهای رفتار سیاست داخلی بر سیاست بین الملل نگاه می‌کند. این مدل مبتنی بر دو پیش فرض است. اولاً؛ به احتمال زیاد دولت‌ها هنجارهای رفتاری را که در داخل خودشان شکل داده‌اند را از سیاست داخلی به سیاست خارجی گسترش می‌دهند. ثانیاً اینکه، ماهیت آنارشیک و فقدان اقتدار در محیط بین المللی این ضرورت را ایجاد می‌کند که در برخورد بین هنجارهای دموکراتیک و غیر دموکراتیک، هنجارهای غیر دموکراتیک حاکم شوند (Maoz and Russett, 1993: 624-626)؛ اما در داخل دولت‌ها، به دلیل وجود قدرت فائقه، نرم‌ها و هنجارهای دموکراتیک کاربرد دارند. در این مورد، چند احتمال وجود دارد. اگر برخورد بین یک دموکراسی یک غیر دموکراسی باشد، دموکراسی‌ها از هنجارها غیردموکراتیک پیروی می‌کنند. اگر دو غیر دموکراسی باشد، از روش‌ها و نرم‌های غیردموکراتیک استفاده می‌شود.

اگر دو دموکراسی رو در روی هم قرار گیرند، آن‌ها از هنجارهای دموکراتیک استفاده می‌کنند و اجازه شکل‌گیری جنگ را نمی‌دهند (Maoz and Russett, 1993: 625).

۲) تبیین ساختاری^۱: بر اساس این مدل نیز، فرایند‌های پیچیده بسیج سیاسی، محدودیت‌های نهادی را بر رهبران دو دموکراسی در مقابل هم تحمیل می‌کند و از ایجاد منازعه خشونت‌آمیز بین آن‌ها جلوگیری می‌کند. در این مدل به محدودیت‌های نهادی و قانونی به عنوان کلیدی برای فهم اینکه چگونه حکومت‌ها در سیاست بین المللی شان عمل می‌نمایند، نگاه می‌شود (Maoz and Russett, 1993: 624-626). این مدل نیز بر چند پیش فرض استوار است. اولاً؛ رهبران در محیط بیرونی و چالش‌های بین المللی، نیاز به حمایت داخلی برای رفتارهای شان در محیط بین المللی دارند. ثانیاً اینکه بسیج سیاسی برای کسب حمایت‌های سیاسی لازم می‌تواند تنها در موقعیت‌هایی تشکیل شود که آن موقعیت اضطراری باشد. اگر در صحنه بین المللی کنشی داشته باشیم، به نهادهای تشکیل دهنده حکومت (قوه قضائیه، بوروکراسی، قوه مقننه، ارتش، احزاب، گروه‌های ذی نفع و افکار عمومی) نیاز داریم. اگر افکار عمومی و نهادهای سیاسی یک رهبر را همراهی نمایند، آن رهبر به راحتی می‌تواند با کنش‌های بین المللی کنار بیاید. به همین خاطر، فرایند بسیج سیاسی ملی برای جنگ در دموکراسی‌ها

¹ - Structural Explanation

به خاطر ساختارش هم دشوار است و هم پر زحمت (Maoz and Russett, 1993: 626)

اگر مدل هنجاری را مبنای کار قرار دهیم، باید گفت که دموکراسی های قدیمی تر، محدودیت های ساختاری قوی تر است، پس خشونت کمتر است؛ اما اگر به مدل ساختاری توجه نمائیم، ذکر این نکات لازم است که سیستم های ریاستی محدودیت کمتری نسبت به سیستم های پارلمانی - که وابسته به قوه تقنینی هستند - دارند، چرا که در حکومت های ائتلافی و کابینه های اقلیت، محدودیت ها ساختاری نسبت به نظام های تک حزبی بیشتر است (Maoz and Russett, 1993: 624-626)

لازم به ذکر است که علل بالقوه ی دیگر در ایجاد این صلح دموکراتیک مؤثرند که عبارتند از: ۱- علل اقتصادی: که براساس آن دولت های ثروتمند کمتر با هم می جنگند، چرا که در صورت جنگ بیشتر آسیب می بینند. ۲- دولت هایی که رشد اقتصادی سریع دارند، اگر در منازعه ای شرکت کنند، ضرر می بینند و رشد اقتصادی شان به عقب می افتد. ۳- بیشتر دموکراسی ها بعد از جنگ جهانی دوم به شکل مستقیم یا غیرمستقیم با هم در اتحاد بوده اند (Maoz and Russett, 1993: 626-627) اما یک نظام دموکراتیک چگونه قابل تشخیص است. در پاسخ به این سؤال باید گفت که در نظام های دموکراتیک اولاً، ثبات سیاسی زیاد است. ثانیاً، میزان اعدام های سیاسی کم است. ثالثاً، محدودیت های نهادی زیادی برای رهبران وجود دارد. رابعاً، میزان و نرخ رشد ثروت بالاست و سرانجام اینکه نرخ توانمندی های مختلف آن ها بالاست (Maoz and Russett, 1993: 630-632) در مورد کاربرد نظریه صلح دموکراتیک در خاورمیانه باید گفت که حمله برق آسای ۱۱ سپتامبر به برج های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک، ضمن اینکه ضعف نظام های دموکراتیک را در حفظ امنیت شهروندان خود تا اندازه ی زیادی آشکار کرد، از طرف دیگر باعث تغییر رویکرد موازنه گر اصلی نظام بین الملل یعنی امریکا مبتنی بر حفظ وضع موجود در خاورمیانه با استفاده از حکومت های وابسته بود؛ اما از آن به بعد استراتژیک های امریکا به این نتیجه رسیدند که تروریسم از درون همین نظام ها سر برآورده است و این گونه نظام ها خود می توانند یکی از اصلی ترین مولدهای تروریسم و ناامنی باشند. به عنوان یک راه حل و در جهت مبارزه با تروریسم در خاورمیانه، بار دیگر نظریه ی صلح دموکراتیک در کانون توجه متفکرین و استراتژیک های امریکایی در حوزه ی خاورمیانه قرار گرفت. در واقع، آن ها به این نتیجه رسیدند که دموکراتیزاسیون در خاورمیانه باعث جلوگیری از رشد تروریسم می شود، چرا که حکومت

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

های دموکراتیک به ندرت با یکدیگر می‌جنگند و نسبت به نظام‌های اقتدارگرا و استبدادی بسیار صلح طلب‌تر هستند. ضمن اینکه با بهبود وضع اقتصادی مردمان آن‌ها، افراد این کشورها به اقدامات تروریستی و انتحاری دست نخواهند زد.

۲. تأثیر چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی بر توسعه سیاسی در خاورمیانه

الف. فرایند گذار به دموکراسی در خاورمیانه عربی

۱) انقلاب‌ها و خیزش‌های اخیر در خاورمیانه؛ از بیداری اسلامی تا دموکراسی

تحولاتی که از اواخر سال ۲۰۱۰ در منطقه خاورمیانه عربی شروع شده است، نشان می‌دهد که منطقه خاورمیانه در حال ورود به عرصه‌ای جدید از حیات سیاسی و اجتماعی خود است. مردمان این کشورها که غرور و تحولات ملی خود را بر اثر وابستگی حکومت‌هایشان به خارج و فقدان استقلال ملی از دست رفته می‌دیدند و از موج فساد و خودکامگی حاکم بر رژیم‌ها سیاسی و دستگاه‌های حکومتی‌شان به ستوه آمده بودند؛ خواهان تغییر در سیستم حکومتی خود شدند.

این خیزش‌ها و اعتراض‌های مردمی متصف به دو صفت اصلی بوده‌اند؛ بیداری اسلامی و بهار عربی. در مورد بیداری اسلامی باید گفت که تنها کشور جهان که از نقطه آغاز قیام‌ها و انقلاب‌های عربی، صفت موج بیداری اسلامی را برای این انقلاب‌ها برگزیده است؛ جمهوری اسلامی ایران بوده است که به طور مشخص از زبان مقام معظم رهبری این صفت جاری شده است. ایشان از خرداد ۱۳۶۸ تا فروردین ۱۳۹۰ در ۱۴۸ سخنرانی از اصطلاح بیداری اسلامی استفاده کرده‌اند که بیشترین آن مربوط به سال ۱۳۸۹ است (سایت افران، ۳ مرداد ۹۱).

اما نگاه غالب نسبت به این خیزش‌ها این بوده که این حرکت‌ها نوعی بهار عربی هستند که منجر به دموکراتیک شدن کشورهای منطقه خواهند شد. زمانی برنارد لوئیس، شرق‌شناس مشهور انگلیسی - امریکایی، با نخوتی آزاد دهنده گفته بود که مسلمانان، زندانی همیشگی مذهب هستند و هیچ‌گاه نمی‌توانند به دموکراسی دست پیدا کنند. ارنست رنان، فیلسوف فرانسوی در قرن نوزدهم، نیز چنین حکمی صادر کرده بود (توان، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۵۳). به هر حال، طرفداران این دیدگاه برای دموکراتیک بودن این خیزش‌ها، وجود شاخصه‌های ذیل را دلیل دموکراتیک بودن آن‌ها می‌دانند. این شاخصه‌ها عبارتند از:

۲) شعارها و آرمان‌های دموکراتیک در میان انقلابیون

اساساً در هر انقلاب و تحولی، مردم و افراد شرکت‌کننده، شعارها و آرمان‌های خاص را دنبال می‌کنند و سر می‌دهند. شعار غالب مخالفان در این انقلاب‌ها برکناری رژیم‌های دیکتاتوری بوده است. در واقع، وجه ممیزه و مشخص همه‌ی این جنبش‌ها و اعتراضات، شیوه‌ی اداره‌ی جامعه به روش‌های غیردموکراتیک بوده است. در همه‌ی کشورهایی که این تحولات رخ داده است، حاکمان برای مدت بیش از دو، سه و یا حتی چهار دهه در مسند قدرت بوده‌اند. علی‌عبدالله صالح در یمن ۳۳ سال، حسنی مبارک در مصر ۳۰ سال، قذافی ۴۲ سال و زین‌العابدین بن علی در تونس ۲۳ سال حکم کشورهای خود بوده‌اند. شعار دموکراتیک مردم همه این کشورها، شعار دموکراتیک‌گردش آزاد قدرت در دست نخبگان و شکل‌گیری نظام‌های دموکراتیک در کشورهایشان بود.

۳) تهیه و تدوین قانون اساسی و اصلاحات نهادی و ساختاری

بدون شک شیوه‌ی تدوین و وضع قانون اساسی بر روی کیفیت و محتوای قانون اساسی و میزان موفقیت و کارآمدی آن تأثیر مستقیم دارد. به خاطر این اهمیت است که شیوه‌ی تدوین قانون اساسی یکی از مباحث پایه‌ای حقوق اساسی است.

در تندباد آزادی اعراب که از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی به هوا برخاسته است، تونس اولین کشوری بود که نسیم جنبش ضد استبدادی موسوم به بهار عربی در آن وزیدن گرفت. قانون اساسی موقت تونس که متشکل از ۹۱ فصل است، با رأی موافق ۱۴۱ نماینده از ۲۱۷ عضو مجلس مؤسسان به تصویب رسید (موسوی خلخالی، ۲۱ آذر ۹۰). در این قانون سعی شده است که موازنه کامل بین قانون‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاسی کشور با ساختار کلی نظام برقرار شود. از اختیارات و صلاحیت‌های جدید در قانون اساسی همچون حفظ صیغه‌ی مدنی و اصول دموکراتیک کشور، احترام به حقوق مخالفان و حمایت از اموال عمومی و شفافیت در درآمدهای مسؤولان سیاسی کشور اشاره کرد (همان).

در سوریه همه پرس‌پرسی برای قانون اساسی جدید آغاز شد که ۸۹/۴ درصد از شرکت‌کنندگان در همه پرس‌پرسی به آن رأی مثبت دادند (سایت شفقنا، ۱۸ اردیبهشت ۹۱). در مصر ۷۷ درصد از رأی‌دهندگان و دو گروه اصلی سیاسی مصر از انجام اصلاحات در قانون اساسی حمایت کردند (ویکی‌پدیا، ۱ فروردین ۹۱). به عنوان مثال، جریان جمعیت ملی به رهبری محمدالبرادعی، حدود یک میلیون امضا برای تغییر

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

قانون اساسی سازماندهی کرد (رحیمی، ۱۳۹۰).

مفتی موریتانی خواهان انجام اصلاحات در قانون اساسی شده و معترضان بحرینی نیز خواهان اصلاحات اساسی بوده اند. سلطان قابوسی بخشی از اصلاحات وعده داده شده را به مرحله عمل رسانیده و مجلس مرکب از منتخبان مردم و منصوبین پادشاه ایجاد شده که تنها جایگاه مشورتی ندارد؛ بلکه می تواند از قانون گذاری و نظارت کند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳ اسفند ۸۹).

عبدال... دوم نیز اصلاحات سیاسی را در اردن آغاز کرده که هدف آن را رسیدن به دولت پارلمانی می داند (سایت شفقنا، ۱۸ اردیبهشت ۹۱). در مراکش نیز، اگرچه اعتقاد بر این است که کنار رفتن پادشاه منجر به روی کار آمدن گروه های افراطی اسلامی و بدین جهت خواهان فشار بیش از حد بر او نیستند، اما هم حکومت و هم معترضین بر سرانجام اصلاحات به توافق رسیده اند و صرفاً در مورد نحوه و سرعت آن باهم اختلاف دارند (دیپلماسی ایرانی، ۲۸ آذر ۹۰). قیام های منطقه در آغاز هم خواستار اصلاحات بودند، اما با اصرار حکومت ها بر غیر قابل اصلاح بودن مسائل؛ خواسته های مردمی تغییر کرد و موضوع سرنگونی رژیم ها سر داده شد.

۴) برگزاری انتخابات آزاد

انتخابات جریانی رسمی است که بر اساس آن مردم یک کشور، شخص یا اشخاصی را برای مقام یا پست یا مسؤولیتی دولتی برای مدتی معلوم با ریختن رأی خود به صندوق های انتخاباتی بر می گزینند. (The New Encyclopedia, 1988: 428). هدف اصلی انتخابات، گزینش نمایندگان مردم است به شکل دموکراتیک و چرخی است. در واقع، معنی دموکراسی نیز همین است. یعنی حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود و همچنین گردش آزاد قدرت در دست نخبگان. به عنوان یکی از نموده های اصلی دموکراسی در کشورهای عربی خاورمیانه، پس از تحولات جاری یکی از اولین مسائلی که مطرح شد، مسأله برگزاری انتخابات آزاد بود. البته در این کشورها از قبل انتخابات هم وجود داشته است، اما این انتخابات بیشتر فرمایشی و فرمالیته بوده و همه افراد شایسته توان شرکت در انتخابات را نداشته اند و آن طور که شاهد بوده ایم، حاکمان و رؤسای جمهور این کشورها بیش از دو یا سه و حتی چهار دهه بر سرنوشت کشور خود حاکم بوده اند. بدین ترتیب، برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه به عنوان یکی از مطالبات مهم این جوامع بوده است.

در مصر انتخابات پارلمانی و انتخابات تعیین رئیس جمهور برگزار شده است. در انتخابات پارلمانی سه مرحله ای، با پیروزی نهایی اسلام گرایان به رهبری اخوان المسلمین (حزب آزادی - عدالت) و

◇ ۷۳

جریان سفلی وابسته به حزب الوند به پایان رسید (احمدزاده، ۱۳۹۰). در انتخابات ریاست جمهوری نیز در مرحله اول احمد شفیق، نخست وزیر رژیم سابق و احمد مرسی، نامزد اخوان المسلمین به دور بعد راه یافته اند. که در دور دوم محمد مرسی نزدیک به ۵۲ درصد آرا را به دست آورد و اولین رئیس جمهور مصر بعد از انقلاب شد.

در تونس نیز انتخابات پارلمانی انجام شد که در این انتخابات که به عنوان اولین انتخابات آزاد و عادلانه قلمداد می شود، حزب اسلام گرای النهضه ۴۱/۴ درصد کرسی های پارلمانی را به دست آورد (فرازمند، ۱۳۹۰).

در سوریه نیز پس از برگزاری همه پرسی برای قانون اساسی جدید، انتخابات پارلمانی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰ برگزار شد که در آن ۲۵۰ نماینده پارلمان انتخاب شدند. در کویت، انتخابات پارلمانی در بهمن ماه ۱۳۸۹ در میان تنش ها برگزار شد که این انتخابات چهارمین انتخابات پارلمانی در ۶ سال گذشته بود؛ لیکن در اردیبهشت ۱۳۹۰ به دلیل عدم همکاری دولت انتخابات دوباره برگزار شد. این انتخابات برای گزینش ۵۰ نماینده مجلس الامه بود (خبرگزاری ابنا، ۲ اسفند ۹۰).

در کشور مراکش در جمعه یعنی ۴ آذر ۱۳۹۰ انتخابات پارلمانی برگزار گردید که در آن حزب اسلامی عدالت و توسعه با کسب ۱۰۷ کرسی از ۳۹۵ کرسی بیشترین کرسی های پارلمانی را به خود اختصاص داد (دیپلماسی ایرانی، ۷ آذر ۱۳۹۰).

۵) دموکراسی و مشارکت در قدرت

یکی از خصوصیات برجسته ی دیدگاه های سیاسی جریان اخوان المسلمین در جهان عرب، پذیرش چارچوب دموکراتیک به عنوان راهی برای دستیابی به قدرت و همچنین تعامل گروه های سیاسی و اداره کشور است. به رغم استراتژی اولیه مبارزه با نظام حاکم، اخوان المسلمین به خصوص در مصر، تقویت روند مبارزه دموکراتیک و حضور در قدرت را از طریق سازوکارهای دموکراتیک مدنظر داشته است. تغییر مزبور از دوره ی رهبری محمد مهدی عاکف شروع شد، اما در دهه آخر حاکمیت حسنی مبارک و جدی شدن مسأله جانشینی فرزندش، بسیار تقویت شد. بر همین اساس، اخوانی ها در انتخابات پارلمانی مصر شرکت کردند و در سال ۲۰۰۵ کرسی هایی را به دست آوردند. این جنبش در جهت گیری های اخیر خود پایبندی عمیق خود را به اصول دموکراتیک نشان داده است و نظرسنجی یک مرکز مطالعاتی امریکا

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

نشان می‌دهد که بیش از دو سوم مصری‌ها (۶۹ درصد)، اعتقاد دارند که اخوان المسلمین یک جریان دموکراتیک است (واعظی، ۱۳۹۱: ۳۹۴-۳۹۳). با این وجود، در حال حاضر رئیس‌جمهور وابسته به حزب آن‌ها برکنار شده و از فعالیت‌های این حزب جلوگیری شده و بر آن‌ها نظارت شدیدی اعمال می‌شود. ایمن الظواهری، شخصیت دوم القاعده و رهبر جماعت جهاد اسلامی مصر، در کتاب خود به نام برداشت تلخ به شدت از اخوان انتقاد کرده و دلیل آن‌را موافقت با قانون اساسی، دموکراسی، پذیرش احزاب سکولار و غیراسلامی و پذیرش گردش مسالمت آمیز قدرت می‌داند. (همان، ۳۹۴).

در تونس نیز، رویکردها و تفکر سیاسی النهفه در خصوص حکومت و چارچوب‌های دموکراتیک در قالب اندیشه‌ها و دیدگاه‌های راشد غنوشی به صورت آشکار قابل مشاهده است و این دیدگاه‌ها حتی در مقایسه با جریان اخوان المسلمین مصر گرایش بیشتری به نوگرایی و چارچوب‌ها و ارزش‌های دموکراتیک دارد.

راشد غنوشی در تبیین مبانی هفت گانه حکومت اسلامی بر مؤلفه‌های زیر تأکید دارد که با اصول حکومت‌های دموکراتیک غربی همخوانی زیادی دارد. این مبانی عبارتند از: ۱- امت سرچشمه قدرت است، ۲- تفکیک قوا، ۳- انتخابی بودن و چرخشی بودن حکام، ۴- مبارزه پارلمانی، ۵- تعدد احزاب، ۶- انتخاب حکام از سوی مردم و ۷- آزادی مطبوعات، نظر، عقیده و تفکر (واعظی، ۱۳۹۱: ۴۱۵-۴۱۳).

ب. چالش‌های امنیتی و سیاسی خاورمیانه و بن‌بست‌های صلح دموکراتیک

در خاورمیانه تحولات جدیدی شکل گرفته و انقلاب‌ها و خیزش‌های جدیدی در منطقه به راه افتاده است. همچنین، شعارهای و آرمان‌های انقلابیون دموکراتیک است و انتخابات آزاد برگزار شده و قانون اساسی جدید ایجاد شده و اصلاحات نهادی و ساختاری صورت گرفته است. علی‌رغم همه‌ی این تحولات، در منطقه خاورمیانه چالش‌های فراوانی وجود دارد که مسأله گذار به صلح از طریق دموکراسی را در خاورمیانه با هاله‌ای از ابهام مواجه می‌سازد. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

۱) چالش فلسطین

چالش فلسطین و منازعه‌ی اعراب و اسرائیل یکی از دغدغه‌های مهم در سطح جهانی بوده است. این چالش پربازگرتترین منازعه‌ی بین‌المللی است و شاید طولانی‌ترین منازعه هم باشد.

اساس این منازعه، براساس طرحی است که در سال ۱۹۴۷ در سازمان ملل تصویب شد که براساس آن فلسطین که تحت قیمومیت انگلیس بود به ۲ بخش تقسیم شد که اعراب با تقسیم دوگانه‌ی آن مخالف بودند. (اسدی، ۱۳۷۶: ۵۱). در سال های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ جنگ هایی بین طرفین درگرفت که در همه‌ی آن ها اسرائیل پیروز شد. بعد از آن مذاکرات صلحی صورت گرفت که از جمله آنها می توان به کمپ دیوید یکی ۱۹۷۸، کنفرانس صلح مادرید ۱۹۹۱، موافقت نامه اسلو ۱۹۹۳ و کمپ دیوید دو اشاره کرد.

بدین ترتیب، اعراب و اسرائیل در هفت دهه ی گذشته انواع مبارزات را تجربه کرده اند، از جبهه مقاومت فعلی تا مبارزات و جنگ های چریکی. حدود ۲۰ سال است که فلسطینی هایی که با سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) در ارتباط هستند، از ابزار و روش هایی حقوقی که با سیاست پیوند نزدیکی داشته است، نیز استفاده کرده اند؛ اما تاکنون سایه‌ی صلحی پایدار بر این منطقه پرتنش از جهان سایه نیفکنده است و تنش اعراب و اسرائیل، کماکان به عنوان یکی از مهم ترین و کلیدی ترین تنش های جهان لاینحل باقی مانده است.

۲) مسأله هسته‌ای ایران

یکی دیگر از مسائل که فضای امنیتی خاورمیانه را دستخوش تغییر و تحولات امنیتی نموده است، مسأله هسته ای ایران است. در این راستا، امریکا و غرب با تسلیحاتی نشان دادن فعالیت صلح آمیز ایران سعی کرده اند که فضای امنیتی منطقه را متشنج نمایند و از این طریق، منافع خود و اسرائیل را با روی آوردن کشورهای منطقه به همگرایی منطقه ای تأمین نمایند.

صرف نظر از صدق یا کذب بودن این ادعا، آنچه که در عمل اتفاق افتاده این است که کشورهای منطقه از پروژه‌ی ایران هراسی تأثیر یافته و برنامه‌های استراتژیک خود را در این راستا تنظیم و تدوین نموده اند. شاهد این ادعا، میلیتاریزه شدن کشورهای عربی و خریدهای کلان تسلیحاتی کشورهای مثل عربستان، امارات و بحرین و همچنین ورود ناوهای جنگی غرب به منطقه می باشد (بهرامی، ۱۳۸۶). برنامه هسته ای ایران در سال ۱۳۵۳ با تأسیس سازمان انرژی اتمی و امضای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر شکل جدی به خود گرفت.

ایران در سال ۱۹۵۸ به عضویت آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) در آمده بود و در سال

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

۱۹۷۰ در مجلس شورای ملی آن را تصویب کرده بود. در سال ۲۰۰۲ میلادی سازمان منافقین، در حال ساخت بودن دو مرکز جدید هسته ای ایران را که طبق قرارداد پادمان، ایران وظیفه ای برای افشای آنها نداشت، فاش کرد. که پس از آن مسأله ی هسته ای ایران در دستور کار جدی آژانس و شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت و به بروز بحران‌هایی در ارتباط ایران و جامعه بین المللی منجر شد. براساس توافق نامه های بروکسل و پاریس در فوریه و نوامبر ۲۰۰۴، ایران پذیرفت که ساخت و آزمایش سانتریفیوژهای مربوط به غنی سازی اورانیوم و همچنین غنی سازی و بازآوری و فعالیت های مربوط به جداسازی پلوتونیوم را متوقف کند که البته تعهد ایران براساس قرارداد پاریس داوطلبانه و در جهت اعتمادسازی بود و در عرض اتحادیه اروپا پذیرفت که سعی در پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی نماید. دولت نهم اعلام کرد که تعلیق داوطلبانه به پایان رسیده و با فک پلمپ، فعالیت UCF اصفهان را تحت نظارت آژانس ادامه می دهد (ویکی پدیا، برنامه هسته ای ایران). بدین ترتیب، دور جدید واکنش های جامعه جهانی و خصوصاً غرب علیه فعالیت های ایران و انجام مذاکرات شروع شد. شایان ذکر است که در فاصله سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ مذاکرات هسته ای بین ایران و سه کشور اروپایی یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان صورت گرفت (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۸۰-۷۱)؛ اما از سال ۲۰۰۶ سه کشور چین، روسیه و آمریکا به عنوان سه عضو اصلی شورای امنیت به آن پیوستند و بدین شکل گروه موسوم به ۵+۱ یعنی پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و آلمان شکل گرفت. این گروه، مذاکرات خود را با ایران در مورد هسته ای در قالب استراتژی مسیر دوگانه تعریف کرد. منظور از مسیر دوم قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل است که عمده ی موضوعات مطروحه در آن اعمال تحریم‌ها علیه ایران است که تاکنون ۴ قطعنامه به شماره های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ در این زمینه تصویب شده که در زمینه های اقتصادی، علمی، سیاسی و فروش سلاح و مهمات به ایران است و براساس ماده ۴۱ از فصل ۷ منشور سازمان ملل اعمال و تصویب شده اند.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در ۱۲ جولای ۲۰۱۱ در خلال یک گفتگو در واشنگتن «نقشه راهی» را به منظور استفاده از بسته تشویقی و پیشنهادی ۵+۱ به صورت علی اعلام کرد که منجر به نتیجه ی مثبتی نشد. اخیراً نیز در ترکیه و بغداد مذاکرات ادامه یافته و قرار است که در ۲۹ خرداد در همین باب مذاکراتی صورت گرفته است (فردا نیوز، ۱۹ خرداد ۱۳۹۱).

◇ ۷۷

اسرائیل و دولتمردان امریکا بر این اعتقاد هستند که در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته ای، اسرائیل اولین هدف حمله ایران خواهد بود. به همین جهت، اسرائیل جهت صدمه زدن و به تأخیر انداختن برنامه هسته ای ایران از روش های مختلفی مثل قتل دانشمندان هسته ای ایران، جاسوس های دوجانبه و حملات سایبری استفاده کرده است.

در روز جمعه ۱۲ خرداد ۱۳۹۱، روزنامه امریکایی نیویورک تایمز در گزارشی فاش کرد که باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا در ماه های اول ریاست جمهوری خود، به طور مخفیانه دستوری صادر کرده تا حملات سایبری با ویروس رایانه ای «استاکس نت» علیه ایران امکان پذیر باشد. البته این پروژه از دوران حکومت بوش دوم با رمز مسابقات المپیک شروع شده است. در این میان، وزیر دفاع انگلیس و کانادا از برنامه های دولت اوباما برای حملات سایبری علیه ایران حمایت کرده اند و آن را روشی متمدنانه برای مقابله با ایران این ویروس ها توسط امریکا و اسرائیل تولید شده و با همکاری شرکت زیمنس آلمان در سال ۲۰۱۰ به شبکه رایانه ای ایران نفوذ کرده بودند. اگرچه، مسؤولان و کارشناسان امر در ایران اعلام کرده اند که موفق شده اند، مانع از موفقیت کامل این ویروس ها شوند، اما اخیراً شرکت کامپیوتری روسی «کاسپرسکی لیز» اعلام کرده اند که ویروس تازه ای رایانه ای به نام «شعله» وجود دارد که هدف آن حمله به مؤسسات و سازمان های ایران تعیین شده است (روزنامه اعتماد، ۹۱/۳/۱۶).

۳) منازعات قومی و مذهبی در خاورمیانه

اگرچه اکثر کشورهای خاورمیانه عربی هستند، اما گفته می شود که خاورمیانه نیز همچون قفقاز موزائیکی از اقوام است که این اقوام متنوع پتانسیل درگیری در خاورمیانه را افزایش می دهد و چالش های جدی را برای کشورهای خاورمیانه ایجاد می کند. از سوی دیگر، وجود مذاهب و فرق مختلف در خاورمیانه منازعات و مناقشات در خاورمیانه را شدت بخشیده است. در این راستا، ابتدا به مناقشات قومی و سپس به مناقشات مذهبی می پردازیم.

الف) منازعات قومی در خاورمیانه

اعراب، ترک ها و ایرانیان سه قوم غالب در خاورمیانه هستند و همواره و در طول تاریخ، منازعه ی بین این اقوام در قالب امپراطوری ها و کشورهای این منطقه در جریان بوده است و زمینه را برای نزاع و

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

درگیری بالقوه فراهم کرده است. اعراب و ترک‌ها در دوران حیات امپراطوری عثمانی و حتی در حال حاضر آشنا در روابط ایران و اعراب بوده است. از سوی دیگر، در داخل تعدادی از کشورهای خاورمیانه مثل ایران، عراق، ترکیه و سوریه، اقوام و اقلیت‌هایی مثل کردها وجود دارند که باعث ایجاد تنش‌ها و منازعات چه در داخل این کشورها و چه در بین کشورهای خاورمیانه مذکور شده اند.

ب) منازعات مذهبی در خاورمیانه

۱- اختلاف شیعه و سنی: با ظهور حکومت شیعه مذهب صفوی، خط سیر منازعات در منطقه بر محوریت شیعه و سنی قرار گرفت که طرف مقابل امپراطوری سنی مذهب عثمانی بود. با سقوط امپراطوری صفویه و سپس امپراطوری عثمانی نیز این اختلافات به نحوی از انحا تداوم یافت. در حال حاضر نیز حضور بیش از صد میلیون شیعه در خاورمیانه و منطقه جنوب آسیا و غرب شبه قاره محملی برای بروز اختلافات مذهبی ایجاد نشده است.

اختلاف بین شیعیان و اهل تسنن دو وجه متمایز دارد. از یک سو، اختلاف بین کشورهای شیعه مذهب و کشورهای اهل تسنن است و از سوی دیگر اختلاف در داخل کشورهایی است که اقلیت شیعه یا سنی را در داخل ساختار خود دارند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که درباره‌ی وجه خارجی ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی در خاورمیانه عمدتاً معطوف به طرح هلال شیعه است. این طرح نخستین بار توسط ملک عبدال... دوم، پادشاه اردن؛ در دسامبر ۲۰۰۴ در گفتگو با روزنامه «واشنگتن پست» هنگام دیدارش از امریکا مطرح شد (بیات، اول مرداد ۹۱). در بخش‌هایی نیز غرب برای ایجاد تنش و اختلاف بین مسلمانان از این طرح حمایت کرده است. به عبارتی، غرب و در رأس آن امریکا برای تضعیف جمهوری اسلامی ایران و مسأله «اسلام سیاسی» می‌کوشند تا خطرات واهی و بی‌اساسی هلال شیعه و نهادینه شدن آن در تحولات منطقه را به کشورهای منطقه به ویژه کشورهای عرب سنی مذهب گوشزد کنند. در واقع، گفته می‌شود که هدف اصلی طرح نمودن بحث هلال شیعه، تبدیل تفاوت دیدگاه مذهبی به تضاد سیاسی و سرانجام بهره‌برداری از آن در معاملات قدرت است. یعنی غرب و حکام منطقه‌ای همسو با غرب سعی دارند با طرح هلال شیعه ژئوپلتیک آن؛ آتش جنگ را بین شیعیان و اهل تسنن شعله‌ور ساخته و بین آن‌ها تنش و درگیری ایجاد نمایند. به همین جهت، گفته می‌شود که تأکید بر منازعات مذهبی از سوی برخی از دولت‌های منطقه با هدف تضعیف و متأثر ساختن رقبای منطقه‌ای؛

شکاف ها و اختلاف های مذهبی را به گسست های عمیق امنیتی و مذهبی مبدل ساخته است که از جمله آن می توان به حمایت آل مسعود از موضع حاکمان منامه اشاره کرد (خبرگزاری ایرنا، ۲۷ مهر ۹۰).

جنبه دیگر اختلاف بین شیعه و سنی به اختلافات آنها در داخل کشورها مرتبط می شود. از جمله این کشورها می توان به عراق اشاره کرد که در طی نزدیک به یک قرن پس از تشکیل این کشور، همواره شیعیان علی رغم اکثریت جمعیت از لحاظ توزیع قدرت اقتصادی و سیاسی وضعیت نامطلوبی داشتند و اگرچه دستگاه دیکتاتوری حزب بعث این مخالفت ها را خرد و خمیر می کرد، اما همواره نوعی اختلاف و تضاد در این کشور وجود داشت (وایمر، ۱۳۸۷: ۹۱-۸۸).

البته اختلافات داخلی مذهبی در خاورمیانه صرفاً مربوط به شیعه و سنی نیست، زیرا درگیری های مسیحیان قبطی با نیروهای مصر در دوران پس از انقلاب به خاطر آتش زده شدن کلیسای مسیحیان در شهر کوچک آسوان که به مناطق دیگر نظیر قاهره و اسکندریه سرایت کرد، نشان می دهد که گسست ها و اختلافات مذهبی تا چه اندازه می توانند، زمینه های آشوب و بحران را مهیا سازند (همان).

۲- بنیادگرایی و تروریسم: یکی دیگر از موضوعات که صلح و دموکراسی در خاورمیانه را با چالش مواجه ساخته است، مسأله تروریسم^۱ و بنیادگرایی^۲ است. اساساً در منطقه خاورمیانه، بنیادگرایی و تروریسم با هم پیوند یافته اند. در این راستا؛ در سال های اخیر، بنیادگرایی به دلیل گسترش در بخش هایی از جهان و خصوصاً خاورمیانه و افزایش نقش آن در منازعه اعراب و اسرائیل و افزایش نقش اسلام سیاسی اهمیت مضاعفی پیدا کرده است.

محققان دانشگاه شیکاگو با ارائه «پروژه بنیادگرایی»؛ به تعریف بنیادگرایی نگاهی پلورال و میان فرهنگی کرده و معتقدند مراد از بنیادگرایی، گروه هایی مذهبی است که تصور می کنند هویت گروهی آن ها مورد تهدید می شود و به همین جهت، آشکار شده و برای حمایت و حفاظت از خود در برابر «غیر»، مرزهای فرهنگی، ایدئولوژیکی و اجتماعی محکمی به دور خود می چینند. بر این اساس است که پایه ی بنیادگرایی بر نارضایتی از وضع موجود استوار است؛ چرا که مسیر کنونی جامعه و جهان را

^۱ - Terrorism

^۲ - Fundamentalism

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

تهدیدی برای ایدئولوژی خود تلقی کرده و رسالت اصلی خود را بر تجدید حیات ایدئولوژی و خارج ساختن آن از زیر گرد و غبار مدرنیسم می‌دانند (احمدوند، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

از سوی دیگر، تروریسم و خود ترور، از دید عاملان آن تصمیمی استراتژیک است که در جدال با نیروهای سلطه‌گر است و پاسخی به شرایط ناعادلانه است که در پوشش امپریالیسم بر مردمانی در جهان تحمیل شده است و از آن جایی که امریکا به عنوان سمبل قدرت و تمدن غرب از دیدگاه گروه‌های تروریستی یکی از بزرگترین عوامل بی‌عدالتی و حق‌کشی در جهان است، آماج این گونه حملات قرار می‌گیرد (ثریا، ۱۳۸۴: ۳۹-۳۴).

عطف به این مسأله که در دوران جنگ سرد و حتی تا وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ «دگر»^۱ و عوامل تهدیدکننده از دید امریکایی‌ها، کمونیسم یا استالینیسم مادی بود، اما بعد از این حادثه «دگر» و عامل تهدیدکننده تروریسم و بنیادگرایی اسلامی یا همان استالینیسم مذهبی شد، بنابراین استراتژی مبارزه با کمونیسم که براساس واقعیات نیمه دوم قرن بیستم شکل گرفته بود، جای خود را به استراتژی مبارزه با تروریسم که بازتاب تهدیدات امنیتی است که گروه‌های فراملی و غیردولتی بنیادگرا متوجه امریکا می‌کنند، داده است. مبارزه با کمونیسم؛ ایجاد، تداوم و حمایت از ثبات سیاسی را سرلوحه‌ی سیاست خارجی امریکا در دوران جنگ سرد قرار داد و مبارزه با تروریسم؛ دموکراتیزه کردن در قالب یک پروژه‌ی امریکا، اساس کار قرار داده است (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۹۰-۱۸۹).

نتیجه‌گیری

تحولاتی که از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی در منطقه خاورمیانه‌ی عربی شروع شدند، نشان دادند که این منطقه دوران جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی خود را شروع کرده است. این تحولات، با دو دیدگاه متفاوت نگرین شده‌اند؛ بیداری اسلامی و بهار عربی. اگرچه از جانب جمهوری اسلامی ایران این تحولات با صفت بیداری اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرند، اما اغلب محققین خارجی به این رویدادها به عنوان بهار عربی که منجر به دموکراتیزاسیون کشورهای منطقه می‌شود، می‌نگرند. حال، اگر این دیدگاه اخیر را مورد توجه قرار دهیم، بازهم این تحولات منجر به دموکراتیک شدن کشورهای

^۱ - Other

منطقه و ایجاد صلح در منطقه نخواهند شد؛ چرا که وجود چالش‌هایی مثل چالش‌های سیاسی و امنیتی، منازعات قومی و مذهبی در خاورمیانه و مسأله‌ی هسته‌ای ایران ایجاد صلح دموکراتیک و برقراری نظام‌های دموکرات در منطقه را با مشکل مواجه می‌سازد.

بر این اساس، با وقوع انقلاب‌های عربی در منطقه و وجود شاخصه‌هایی همچون شعارها و آرمان‌های دموکراتیک در میان انقلابیون، تهیه و تدوین قانون اساسی و اصلاحات نهادی و ساختاری و برگزاری انتخابات آزاد در این کشورها؛ عده‌ی زیادی از پژوهشگران رأی به دموکراتیک بودن این تحولات دادند؛ اما در منطقه خاورمیانه چالش‌های امنیتی و سیاسی متعددی وجود دارند که صلح دموکراتیک را با این بست مواجه ساخته و دورنمایی تاریک از آن را در ذهن مجسم می‌سازند. از جمله این چالش‌ها، چالش فلسطین است که به عنوان پربازگترین منازعه بین‌المللی برای مدت بیش از شش دهه همچنان لاینحل باقی مانده است.

چالش دیگر، مسأله هسته‌ای ایران است که اگرچه تاکنون مذاکرات فراوانی در این مورد صورت گرفته و راه حل‌های فراوانی ارائه گردیده‌اند، اما هنوز به نتیجه‌ای در خور نرسیده و فضای ناامنی را در روابط ایران و غرب ایجاد کرده و با پروژهِ ایران هراسی غربی‌ها، کشورها منطقه نیز نسبت به آن واکنش‌های منفی و متفاوتی نشان داده‌اند. چالش آخر نیز، منازعات قومی و مذهبی در خاورمیانه هستند. از جمله این چالش‌ها و منازعات می‌توان به منازعات بین اقوام موجود در منطقه یعنی اعراب، کردها، ترک‌ها و فارس‌ها؛ اختلاف بین شیعه و سنی و مسأله بنیادگرایی و تروریسم اشاره کرد که بدون پایان یافتن و حل این چالش‌ها در منطقه، مسأله‌ی صلح دموکراتیک با چالش‌های عدیده‌ای مواجه می‌شود و زیربنای این صلح نیز سست و لرزان خواهد بود و منجر به توسعه سیاسی در منطقه نخواهد شد.

چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

منابع فارسی

- احمدوند، شجاع (۱۳۸۵)، «رویکرد نظری به مفهوم بنیادگرایی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۲، بهار.

- احمدزاده، داوود (۱۹ بهمن ۹۰)، «گذار مصر به دموکراسی؛ فرایندها و پیامدها»، قابل دسترس در:

<http://www.khabaronline.ir/detail/198087/weblog/ahmadzadeh>

- اسدی، بیژن (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی ایران در قبال مسأله فلسطین در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی ایران (تا سال ۱۳۷۶): یک بررسی تطبیقی»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۷، پاییز و زمستان.

- بهرامی، عطا (۱۸ مرداد ۱۳۸۶)، «خریده‌های تسلیحاتی اعراب»، قابل دسترس در:

<http://www.asriran.com/fa/news/23295/>

- توان، حسن (۱۳۹۰)، «تأملی بر انقلاب‌های عربی»، *چشم‌انداز ایران*، شماره ۶۹، شهریور و مهر.
- ثریا، جمشید (۱۳۸۴)، «امریکا، تروریسم و بنیادگرایی»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره‌های ۲۱۹ و ۲۲۰، آذر و دی.

- بیات، مصطفی، (۱ مرداد ۹۱)، «هلال شیعی از واقعیت تا عمل»، *ماهنامه زمانه؛ نامه اندیشه*،

<http://www.zamane.info/category> قابل دسترس در: **فرهنگ و ادبیات**

- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۳)، «چارچوبی نظری برای تحلیل مذاکرات هسته‌ای ایران و سه قدرت اروپایی»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۶، بهار و تابستان.

- خبرگزاری ابنا (۲ اسفند ۹۰)، «در شهر مصرانه اولین انتخابات در لیبی پس از قذافی برگزار شد»، قابل دسترس در:

<http://shafaqna.com/persian/other-services/the-shiite-media/itemlist/tag.html?start=6>

- خبرگزاری ایرنا (۲۷ مهر ۹۰)، «خاورمیانه در کشاکش گسست‌های مذهبی»، قابل دسترس در:

<http://www.irna.ir/newsshow.as>

- خبرگزاری هراز نیوز (۲۸ شهریور ۱۳۹۰)، «سازمان ملل؛ فلسطین مهم‌ترین چالش»، قابل دسترس

در: <http://www.haraznew.com/6191>

- سایت افران (۳ مرداد ۹۱)، «بیداری اسلامی و تحولات منطقه»، قابل دسترس در:

<http://www.afiran.ir/modules/smartsection/category.php?categoryd=69>

- سایت شفقنا (۱۸ اردیبهشت ۹۱)، «اولین انتخابات پارلمانی براساس قانون اساسی جدید آغاز شد»،

قابل دسترس در: <http://shafaghna.com/persian/interview/item/12613>

- دیپلماسی ایرانی (۷ آذر ۱۳۹۰).

- دیپلماسی ایرانی (۲۸ آذر ۹۰)، «مراکش، توافق همگانی برای اصلاحات»، قابل دسترس در:

<http://www.m.islahweb.org/content/2011/1214803>

- خبرگزاری ایرنا (۱۳ اسفند ۸۹)، «مخالفتان دولت عمان از اقدامات سلطان قابوس استقبال کردند»،

قابل دسترس در: <http://www.irna.ir/newsshows.aspx?NID=307555>

- رحیمی، محمد (۱۵ آبان ۹۰)، «اثرگذاری تحولات سیاسی مصر بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، قابل

دسترس در: <http://www.Geo-af.blogspot.com/1390/08/05/post-12>

- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، «از مبارزه با کمونیسم تا مبارزه با تروریسم»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۱، پاییز.

- طاهری، ابولقاسم (۱۳۸۰)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب*، چاپ دوم، تهران: انتشارات قومس.

- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱)، *تاریخ فلسفه سیاسی غرب: عصر جدید و سده نوزدهم*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- فرازمند، محمد (۲۸ آبان ۹۰)، «اسلام‌گرایی در انقلاب‌های عربی»، *روزنامه اعتماد*، شماره ۲۳۱۳.

- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.

- فردا نیوز (۱۷ خرداد ۱۳۹۱)، «تاریخچه مذاکرات ایران و گروه ۵+۱»، قابل دسترس در:

<http://www.khabarfarsi.com/n/2713910/15>

_____ چالش‌های گذار به صلح از طریق دموکراسی در خاورمیانه و تأثیر آن بر توسعه... ◇

- روزنامه اعتماد (۱۶ خرداد ۹۱)، «حمله متمدنانه غرب علیه ایران؛ حمایت غرب از جملات سایبری علیه ایران»، قابل دسترس در:

<http://www.magiran.com/ppdf/3291/p0329124110021.pdf>

- **ویکی‌پدیا**، دانشنامه آزاد، «برنامه هسته ای ایران»، قابل دسترس در:

<http://www.fa.wikipedia.org/wiki/>

- **ویکی‌پدیا**، دانشنامه آزاد (۱ فروردین ۱۳۹۱)، «حمایت گسترده مردم مصر از قانون اساسی»، قابل دسترسی در:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/110320/03/2011_u03_egypt_constitution_backs.shtml

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- موسوی خلخالی، علی (۲۱ آذر ۹۰)، «اصلاحات قانون اساسی جدید تونس چیست؟»، قابل دسترس

در: <http://www.khabaronline.ir/detail/188913>

- وایمر، آندریاس (۱۳۸۷)، «دموکراسی و کشمکش‌های قومی و مذهبی در عراق»، در حاجی یوسفی، امیرمحمد و احمدسلطانی نژاد، *سازمان سیاسی در عراق جدید*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

English Source

- Maoz, Zeev and Bruce Russett (1993), "Normative and Structural Causes of Democratic Peace 1946-1986", *The American Political Science Review*, Vol.87, No. 3, September, pp. 624-638.